

## نفت شمال ایران در عرصه رقابتهای بین‌المللی

مظفر شاهی

مقاله‌ای که در پی می‌آید به بررسی سیاسی و اقتصادی مسئله «نفت شمال ایران» در عرصه رقابتهای فدرتهای خارجی از آخرین روزهای سلطنت ناصرالدین شاه قاجار تا دهه ۱۳۲۰ یعنی دوران نهضت ملی شدن نفت می‌پردازد. نویسنده بر آن است که در مسئله نفت شمال ایران بیشتر اهداف سیاسی و استراتژیک مطرح بود تا اقتصادی و برای روشن کردن این موضوع به بررسی دیدگاهها و مواضع سیاسی و اقتصادی کشورهای روسیه شوروی، انگلیس، آمریکا و سرانجام ایران در واکنش به این موضوع پرداخته است.

هر چند گزارشی در دست نداریم که حاکی از کشف و استخراج نفت در حد ارزش تجارتهای شمال ایران باشد، با این حال مسئله «نفت شمال ایران» در تاریخ معاصر ایران جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است. بنابراین موضوع نفت در شمال ایران پیش از آنکه به ارزش اقتصادی آن اشاره داشته باشد در برگیرنده اهمیت و حساسیت سیاسی این قضیه است. هر چند با تفحصی گذرا در تاریخ اقتصادی ایران معاصر می‌توان پیوند آن را با مسائل سیاسی مبتلا به کشور لمس کرد با این حال موضوع نفت شمال ایران ویژگیهایی داشت که به رغم ناسودمندی اقتصادی آن تا مدتها سیاست‌گذاران داخلی و کشورهای خارجی را به خود مشغول داشته بود. با این حال این مباحث و درگیریهای سیاسی به نتیجه رضایتبخشی نرسید و نهایتاً موضوع نفت شمال ایران تقریباً به فراموشی سپرده شد. بنابراین در این نوشتار سعی خواهد شد به دلایل ناکامی آن فعالیتها پاسخ داده شود و نهایتاً می‌شود پرسش اصلی این موضوع را به این شکل مطرح کرد که علایق کشورهای ذینفع در مسئله نفت شمال ایران چه بوده است؟ در این مقاله بر مبنای فرضیات زیر به این پرسش پاسخ داده می‌شود:

۱. دولت روسیه تزاری و سپس روسیه شوروی در درجه اول به دلیل مسائل سیاسی و سپس مسائل اقتصادی، قلمروهای شمالی ایران را حوزه نفوذ خود قلمداد می‌کرد و

بنابراین در جلوگیری از نفوذ کشورهای خارجی دیگر در این مناطق و همچنین بهره‌گیری از منافع سیاسی و اقتصادی آن خود را مختار می‌دید.

۲. کشور انگلستان که خود حوزه‌های بزرگ نفتی ایران در جنوب کشور را در اختیار داشت، ضمن تلاش برای سهم شدن در منافع سیاسی - اقتصادی نفت شمال، بر آن بود از نفوذ کشور ثالث دیگری در آن مناطق ممانعت به عمل آورد.

۳. در این میان کشور ثالث آمریکا که با موافقت دولت ایران به استخراج و تولید نفت در شمال ایران علاقه‌مندی نشان داده بود، به علت رقابت و نهایتاً مخالفت کشورهای ذینفع دیگر (روس و انگلیس) چاره‌ای جز عقب‌نشینی نیافت.

۴. و سرانجام، دولت ایران که در عرصه رقابتها و درگیریهای فوق توانسته بود موضعی قاطع و در عین حال ثمربخش برای کشور اتخاذ کند، سیاست موازنه منفی را به عنوان عملی‌ترین راه‌حل ممکن جست و جو کرد؛ که آخر الامر نیز موضوع نفت شمال مقدمه‌ای برای ملی شدن صنعت نفت در ایران شد.

اولین باری که از نفت شمال ایران سخن به میان می‌آید مربوط به زمانی است که در شعبان ۱۳۱۳/ بهمن ۱۲۷۴ / ۱۸۹۵م ناصرالدین شاه استخراج نفت در محال سه‌گانه تنکابن و کجور و کلارستاق در مازندران را به محمدریخان خلعتبری (سپهدار و سپهسالار بعدی) واگذار کرد. با این حال هیچگونه گزارش روشنی از اقدامات اکتشافی و بهره‌وری از منابع نفت این مناطق توسط امتیازگیرنده آن، در دست نداریم.

بنابراین، این امتیاز سالها در اختیار محمدریخان خلعتبری باقی بود تا اینکه طبق قراردادی امتیاز خود را به خوشتاریا از اتباع روسیه واگذار کرد. برطبق این قرارداد که در تاریخ ۲۷ ژانویه ۱۹۱۶ / ۱۳۳۴ق / ۱۲۹۴ش منعقد شده محمدریخان خلعتبری موافقت کرد که: «... امتیاز مذکور با تمام حقوق راجعه به آن از تاریخ حال تا نودونه سال به کمپانی خشداریا واگذار نماید» و تأکید نمود که: «... از تاریخ این ورقه در تمام مدت مسئولیت اجرای فرمان مذکور به عهده کمپانی خشداریا یا ذوی‌الحقوق او خواهد بود».

هر چند بعید می‌نماید در واگذاری این امتیاز به خوشتاریا شخص محمدریخان خلعتبری تحت فشار قرار گرفته باشد با این حال در همین زمان در موقعیتی که ارتش روسیه در نتیجه جنگ جهانی اول سراسر ایالات شمالی ایران را در اشغال داشت و از سوی دیگر دولت روسیه از اهمیت اقتصادی - سیاسی نفت جنوب ایران که در اختیار انگلستان قرار داشت به خوبی آگاه بود، بنابراین درصدد برآمد که امتیاز نفت ایالات شمالی ایران را برای خوشتاریا از دولت ایران بگیرد. در واقع از هنگام اعطای امتیاز نفت جنوب به داری، دولت روسیه همواره خود را مغبون احساس می‌کرد و پیوسته درصدد



آخرین کابینه محمدولی سپهدار تنکابنی، از چپ: مرتضی قلی‌خان ممتازالملک، جمشید سردارکبیر، علی یعین‌الملک، اکبر میرزا مسعود، محمود علاءالملک، محمدولی خلعتبری، وستاهل (۱۲۹۴ش) | ۴۸۵۷-۱۱

بود امتیاز مشابهی به دست آورد، چنانکه امین‌السلطان به نوعی با فریب سفیر روس توانسته بود قرارداد داری را بدون مخالفت جدی روسیه منعقد سازد و جهت رضایت خاطر روسها پنج ایالت شمالی کشور را از حوزه امتیاز داری مستثنی ساخته بود.<sup>۱</sup> دولت روسیه جهت مخالفت با امتیاز داری و نهایتاً سهم شدن در منابع نفتی ایران دلایل دیگری نیز داشت، از جمله اینکه از سالها قبل شرکتهای نفتی روسیه مقدار قابل توجهی از نفت تولیدی خود را به بازارهای شمالی ایران انتقال می‌دادند و به فروش می‌رسانیدند. بنابراین بیم داشتند که مبادا تولید نفت در جنوب ایران بازارهای شمالی ایران را از دست آنها خارج سازد، و حتی دولت روسیه طرحهایی جهت انتقال لوله نفت از شمال ایران به خلیج فارس داشت.<sup>۲</sup> هرچند این طرح هیچ‌گاه عملی نشد اما در شرایطی که در همان سال ۱۹۰۱م / ۱۳۱۹ق دولت ایران درصدد برآمده بود از دولت روسیه وامی به مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ روبل دریافت کند چاره‌ای نیافت جز اینکه از جمله

۱. علی یعقوبی‌نژاد، رئیس نفت، بی‌جا، یادواره کتاب، ۱۳۷۳، ص ۲۳.

۲. فیروز کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران (۱۸۶۴-۱۹۱۴)، ترجمه منوچهر امیری، تهران، کتابهای جیبی،

شرایط این قرارداد استقراض «اعطای امتیاز لوله‌کشی نفت به بانک استقراضی روس» را هم در نظر بگیرد.<sup>۳</sup> مضافاً اینکه یک سال قبل از امتیاز خوشتاریا، در سال ۱۹۱۶، دولت بریتانیا با خرید بخش اعظم سهام نفت جنوب ایران نفوذ سیاسی - اقتصادی فراوانی در ایران به دست آورده بود که این امر نمی‌توانست از نگاه دولتمردان روسیه پوشیده بماند.<sup>۴</sup> به همین دلیل دولت ایران که محمدولیخان نامبرده در رأس آن قرار داشت در غیاب و در زمان تعطیل مجلس شورای ملی امتیاز نفت شمال ایران را به خوشتاریا واگذار کرد که برحسب آن «دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران به موجب امتیازنامه حق انحصار کشف و استخراج نفت و گاز طبیعی و قیر و موم طبیعی را در حوزه ایالات گیلان و مازندران و استرآباد در مدت هفتاد سال به صاحب امتیاز مرحمت و اعطاء» شد. در این امتیازنامه تصریح شده بود که «محال و نواقطی که به موجب فرمان همایونی مورخ شعبان ۱۳۱۳ق به آقای محمدولیخان سپهسالار اعظم واگذار شده به کلی از این امتیاز خارج است.»<sup>۵</sup>

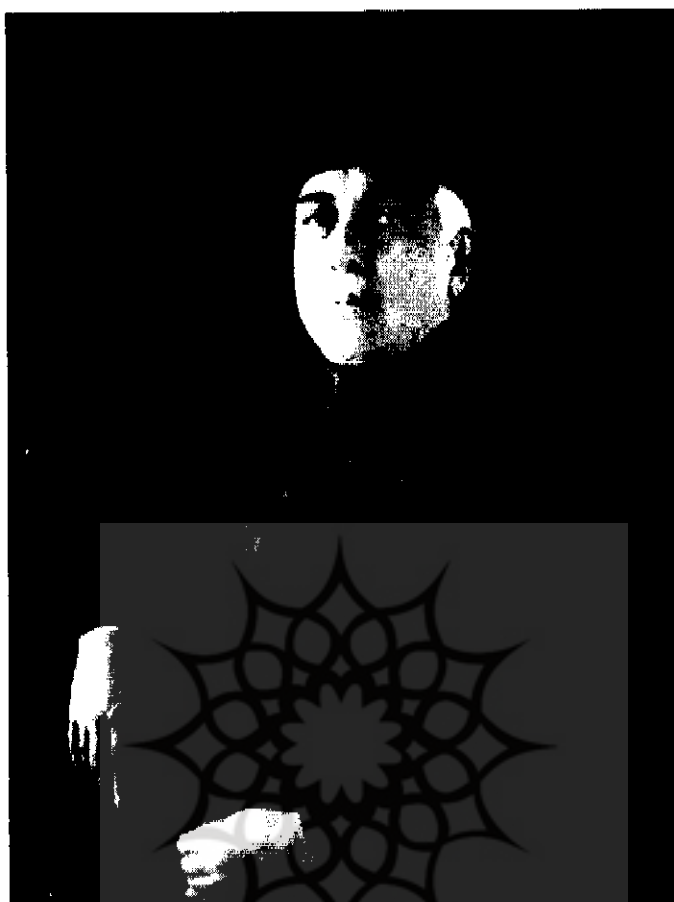
اما از آنجایی که امتیاز فوق بلافاصله پس از سقوط کابینه وی و روی کار آمدن مصمصام‌السلطنه از درجه اعتبار ساقط اعلام شد می‌رساند که امتیاز فوق در نتیجه ارباب و فشار اخذ شده بود. مضافاً اینکه به علت آغاز بحرانهای سیاسی در روسیه و به دنبال آن شکل‌گیری انقلاب اکتبر، دولت روسیه در موقعیتی نبود که بخواهد بر اجرای مفاد امتیاز یادشده اصرار ورزد و نهایتاً با انعقاد قرارداد مودت بین ایران و دولت جدید شوروی قرارداد نفت خوشتاریا ملغی شد و هنگامی که در نتیجه ادعای دولت ایران خوشتاریا از موضوع انتقال و فروش امتیاز سابقش به شرکتهای نفتی هلندی نظیر رویال دوچ شل و شرکتهای فرانسوی طرفی نیست، درصدد برآمد راه لندن را در پیش بگیرد و با شرکت نفت ایران و انگلیس وارد مذاکره شود.

برخلاف شرکتهای مزبور، دولت انگلستان جداً درصدد برآمد به رغم اطلاع از بی‌اعتباری قرارداد خوشتاریا امتیاز آن را برای شرکت نفت ایران و انگلیس اکتساب نماید که این تصمیم انگلستان بیشتر از وضع سیاسی بحرانی روسیه شوروی که در پی وقوع انقلاب در آن کشور پیش آمده بود ناشی می‌شد. از سوی دیگر انگلستان درصدد بود بدون فوت وقت خلاء به وجود آمده در قلمروهای شمالی ایران را که نتیجه خروج شوروی از ایران بود پر کند و از نفوذ احتمالی یک کشور ثالث در امور ایران جلوگیری به

۳. همان، ص ۲۴۴.

۴. گارین هملی و دیگران. سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج. ترجمه عباس منیر، ویراستار مرتضی اسدی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱، ص ۱۶۱.

۵. مصطفی فاتح. پنجاه سال نفت ایران. تهران، انتشارات چهره، ۱۳۵۵، صص ۳۲۶-۳۳۱.



حسن وثوق‌الدوله در اواخر دوره قاجاریه [ ۹۱۷-۱ ]

عمل آورد، چرا که در همین هنگام زمزمه اظهار تمایل شرکتهای نفتی آمریکایی جهت سرمایه‌گذاری در نفت ایران شنیده می‌شد. به همین دلیل انگلستان به بهانه‌های مختلف نظیر تبعه روسیه نبودن خوشتاریا، خود را به خرید امتیاز وی مجاز دید و در زمانی که وثوق‌الدوله ریاست دولت ایران را برعهده داشت دولت انگلستان توانست بدون روبه‌رو شدن با اعتراض جدی ایران امتیازات نفت خوشتاریا در شمال ایران را خریداری کند و آن را تحت عنوان «شرکت نفتهای شمال ایران» در لندن به ثبت رساند.<sup>۶</sup> با این حال دولت مشیرالدوله که پس از وثوق‌الدوله روکار آمده بود از شناسایی آن طفره رفت، مخصوصاً در موقعیتی که شوروی از ایران خارج شده بود و هر آن انتظار می‌رفت دولت انگلستان منحصرأ امور ایران را قبضه کند. دولتمردان ایران ترجیح می‌دادند نفت شمال

را به شرکت و یا کشوری غیر از انگلستان واگذار نمایند تا کمتر مخل استقلال کشور باشد، مخصوصاً اینکه تحمیل قرارداد معروف ۱۹۱۹م توسط انگلستان به ایران ذهنیت ناخوشایندی از سیاست انگلستان در میان رجال ایرانی بر جای نهاده بود.<sup>۷</sup> این قرارداد همچنین اعتراض شرکتهای نفتی آمریکایی را نیز که به سرمایه‌گذاری در نفت ایران تمایل داشتند برانگیخته بود، چنانکه مؤسسه نفت آمریکا طی یادداشتی به وزارت خارجه این کشور متذکر شده بود که: «... قرارداد ۱۹۱۹ اداره امور لشکری، کشوری و مالی ایران را تحت کنترل انگلستان قرار می‌دهد... و قرارداد مزبور محرومیت اتباع آمریکایی را از امر توسعه نفت در حوزه‌های انحصاری شرکت نفت انگلیس و ایران افزایش می‌دهد».<sup>۸</sup>

وزارت خارجه آمریکا در مراسله‌ای خطاب به وزیرمختار این کشور در تهران از وی تقاضا کرد مراتب زیر را به اطلاع دولت ایران برساند:

۱. شرکتهای آمریکایی درصدد خواهند بود که امتیاز نفتی در ایالات شمالی ایران تحصیل کنند وزارت خارجه آمریکا امیدوار است که در این باب توفیق یابند.
۲. وزارت خارجه آمریکا خوشوقت است که دولت ایران متوجه این نکته باشد که یک منبع مهم اقتصادی آن نباید به انحصار یک شرکت خارجی درآید.
۳. وزارت خارجه آمریکا معتقد است که انحصار تولید ماده خام مهمی مانند نفت توسط یک مؤسسه خارجی مخالف با اصل رفتار مساوی با اتباع تمام کشورهای خارجی می‌باشد.
۴. وزارت خارجه آمریکا به دولت ایران توصیه می‌کند که به لحاظ منافع ایران و به لحاظ روابط اقتصادی بین‌المللی مصلحت در این است که اعطای امتیاز نفت متوقف شود تا آنکه شرکتهای آمریکایی فرصت این را داشته باشند درباره آن با دولت ایران وارد مذاکره شوند.<sup>۹</sup>

در چنین موقعیتی که مخصوصاً دولت ایران با وساطتهای مورگان شوستر موفق شد با شرکت آمریکایی استاندارد اویل درباره نفت شمال ایران مذاکره کند و امتیاز نفت شمال را به این شرکت واگذار نماید (۲۲ نوامبر ۱۹۲۱) این اقدام دولت ایران سخت مورد اعتراض دولت انگلیس و روسیه شوروی، که چند ماه قبل (۲۶ فوریه ۱۹۲۱) عهدنامه

۷. آنتون زیشگا، جنگ مخفی نفت، ترجمه داود داودی، بی‌جا، بی‌تا، ۱۳۲۶، ص ۱۶۰.

۸. بنجامین شوادران، خاورمیانه: نفت و قدرتهای بزرگ، ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران، انتشارات

فرانکلین و کتابهای جیبی، ۱۳۵۲، ص ۳۵. ۹. مصطفی فاتح، پیشین، ص ۳۲۴.

مودت با ایران امضاء کرده بود، واقع شد و این امتیاز را تجاوز آشکاری به حقوق خود در ایران دانستند. از یک سو هر چند دولت جدید روسیه موضع دوستانه‌تری نسبت به ایران در پیش گرفته بود اما نمی‌توانست حضور کشور ثالثی را در مرزهای جنوبی کشور خود تحمل کند.<sup>۱۰</sup> دولت انگلستان نیز، ضمن عقب‌نشینی از موضع خود مبنی بر خرید امتیاز خوشتاریا از دولت ایران، تقاضا کرد از اعطای امتیاز نفت شمال به شرکت آمریکایی چشم پوشیده شرکتهای نفتی انگلیسی را در اولویت قرار دهد. در این راستا ضمن یادداشتی به دولت ایران آمده است: «عطف به مذاکرات اخیر، در خصوص امتیازنامه خوشتاریا افتخار دارم به آن جناب [رئیس‌الوزرای ایران] اطلاع دهم که دولت انگلستان مجدداً این موضوع را مورد توجه قرار داده و معتقد است که این امتیاز به هیچ‌وجه نمی‌تواند به شرکت دیگری منتقل شود. دولت انگلستان ترجیح می‌دهد که از نظر دولت ایران دایر بر ابطال امتیاز خوشتاریا پشتیبانی کند. ضمناً به استحضار آن جناب می‌رساند که اگر دولت ایران در نظر داشته باشد امتیاز جدیدی در این باره اعطا کند دولت انگلستان با توجه به مصالح دولت ایران امیدوار است که حق تقدم با یک شرکت انگلیسی باشد.»<sup>۱۱</sup> بنابراین انگلستان به سادگی حاضر نبود از منافع سیاسی - اقتصادی نفت شمال ایران خود را کنار بکشد، چنانکه یکی از کارشناسان نفتی وزارت خارجه این کشور نیز در همین زمان اظهار داشته بود که: «شمال ایران تا آنجایی که ما می‌دانیم منطقه آزادی است، ولی بدون شک شرکت نفت انگلیس و ایران امکانات آن منطقه را هم از نظر دور نداشته است.»<sup>۱۲</sup> بنابراین می‌شود گفت که دلیل عمده مخالفت دولت ایران از اعطای نفت شمال به انگلستان و شوروی پیشگیری از عواقب ناخوشایندی بود که طی سده گذشته همواره دچار آن بود و ورود کشور ثالثی نظیر آمریکا را غنیمتی می‌دانست جهت رهایی از سلطه این دو کشور. به این ترتیب در نتیجه تلاش وزیرمختار ایران در واشنگتن یعنی حسین علایی (علاء) جهت ترغیب شرکتهای آمریکایی برای سرمایه‌گذاری در نفت ایران<sup>۱۳</sup> و تلاشهای پیگیر دکتر میلپو بود که آمریکاییها جهت اخذ امتیاز نفت شمال ایران هرگونه مانع جدی را مفقود می‌دیدند.<sup>۱۴</sup> هرچند وزیر امور خارجه آمریکا کالبی نمی‌توانست نگرانی خود را از احتمال مخالفتهای انگلیس و یا روسیه پوشیده بدارد.<sup>۱۵</sup>

۱۰. ژرژ لنجافسکی، غرب و شوروی در ایران، ترجمه حورا یآوری، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۲، ص ۱۰۶.

۱۱. بنجامین شوادران، پیشین، ص ۹۱. ۱۲. همان، ص ۳۶.

۱۳. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سندهای ۱۱۲۲۹-ن و ۱۱۳۲۰-ن.

۱۴. آرتور جستر میلپو، مأموریت آمریکاییها در ایران، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۶.

۱۵. بنجامین شوادران، پیشین، ص ۷۷. ۲۵۶

در هر حال به‌رغم مخالفت دولت انگلستان و روسیه شوروی، مجلس شورای ملی ایران در ۲۲ نوامبر ۱۹۲۱ امتیاز خوشناریا را بی‌اعتبار اعلام کرد و با اکثریت آراء امتیاز پنجاه ساله استخراج نفت در ایالات پنجگانه شمالی کشور را به شرکت نفت استاندارد اوپل (نیوجرسی) واگذار کرد. طبق مفاد این قرارداد مقرر شده بود ایران ۱۵ درصد از عواید خالص نفت استخراجی را دریافت کند و همچنین کمپانی استاندارد اوپل حق نداشت امتیاز فوق را به هیچ فرد و یا شرکت دیگری منتقل نماید و در صورتی می‌توانست با شرکتها و سرمایه‌داران دیگری شریک شود که مجلس شورای ملی ایران آن را تصویب کند. عدم رعایت این شرط به معنای بی‌اعتباری امتیاز اعطایی بود.<sup>۱۶</sup>

دولت روسیه اعطای امتیاز نفت شمال ایران به کمپانی استاندارد اوپل را ناقض قرارداد مودت فوریه ۱۹۲۱ بین ایران و شوروی می‌دانست، اما مجلس شورای ملی ایران اظهار داشت که امتیاز خوشناریا هیچ‌گاه به تصویب مجلس ایران نرسیده و بنابراین اعتبار قانونی ندارد. طبق ماده سیزدهم عهدنامه ایران و شوروی، ایران متعهد می‌شد «مواردی را که به واسطه گذشت‌های دولت شوروی در این عهدنامه به مالکیت خود درمی‌آورد در اختیار و تصرف و استفاده هیچ دولت یا تبعه بیگانه قرار ندهد و تمام حقوق ناشی از آن را برای رفاه مردم به کار گیرد».<sup>۱۷</sup>

هرچند امتیاز نفت شمال ایران به کمپانی استاندارد اوپل نیوجرسی اعطا شد، اما از همان ابتدای امر مشکلاتی بروز کرد که مهمترین آنها مخالفت دولت روسیه شوروی و دولت انگلستان بود. انگلستان در گام اول برای اینکه دولت ایران را از اعطای امتیاز به استاندارد اوپل منصرف سازد تهدید کرد که از پرداخت حق‌الامتیاز و سهم ایران از نفت جنوب خودداری خواهد کرد چنانکه در این باره: «... صحبت بود که انگلیسیها عمداً پول نمی‌دهند که دولت را دچار مشکلات و مضیقه انداخته بالاخره به مقصودشان نایل شوند، مثلاً قسط هذالسنه | هذالسنه | نفت جنوب را از بابت قرض خودشان گرفته و به دولت نمی‌دهند، آن وقت پیشنهاد می‌نمایند که هرگاه دولت امتیاز نفت شمال را لغو نمایند حاضر هستیم که قسط سنه آتیه را هم به عنوان مساعده به دولت بدهیم...»<sup>۱۸</sup>

در واقع ایالات شمالی ایران از نظر جغرافیایی در موقعیتی قرار نداشتند که بدون موافقت و باری دو دولت روسیه شوروی و انگلستان امکان بهره‌برداری و صدور مواد نفتی آن برای هر کشور و یا شرکت ثالثی به آسانی میسر باشد. به علت مخالفت صریح

۱۶. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، سه‌شنبه ۳۰ عقرب (آبان) ۱۳۰۰ مطابق ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۴۰.

۱۷. بهرام توازنی، *عهدنامه مودت بین ایران و شوروی*. تهران، نشر همراه، ۱۳۴۹، ص ۱۵۶.

۱۸. سلیمان بهبودی، *رضاشاه: خاطرات سلیمان بهبودی؛ اشرف بهلوی و علی ایزدی*. به کوشش غلامحسین میرزا صالح. تهران، طرح نو، ۱۳۷۲.





وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
۱۳۱۲

۱۱- دولت درلی میباید تا آنجا که در وضع و ترتیب است بینه بکار بردن

و اقیانوس را کفایت کند.

۱۲- هر یک از تصور در فلسفه که در حکم دارد در وضع قانون غیر محرز است

درین کار است باین وضع وضع آن شدت ندارد.

۱۳- در صورت تصور در فلسفه که در حکم دارد در وضع قانون غیر محرز است

تک در وضع است باین است که هر قدر در وضع قانون غیر محرز است

شاید در آن در فلسفه که در حکم دارد در وضع قانون غیر محرز است

باید که وضع قانون غیر محرز است در وضع قانون غیر محرز است



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
۱۳۱۲

۱۳۱۲

۱۳- دولت درلی میباید تا آنجا که در وضع و ترتیب است بینه بکار بردن

و اقیانوس را کفایت کند.

۱۴- هر یک از تصور در فلسفه که در حکم دارد در وضع قانون غیر محرز است

درین کار است باین وضع وضع آن شدت ندارد.

۱۵- در صورت تصور در فلسفه که در حکم دارد در وضع قانون غیر محرز است

تک در وضع است باین است که هر قدر در وضع قانون غیر محرز است

شاید در آن در فلسفه که در حکم دارد در وضع قانون غیر محرز است

باید که وضع قانون غیر محرز است در وضع قانون غیر محرز است

شوروی امکان حمل مواد نفتی از طریق قلمروهای این کشور ناممکن به نظر می‌رسید چنانکه روتشتاین سفیر شوروی در تهران نیز مخالفت کشور خود را با هر نوع سرمایه‌گذاری نفتی خارجی در قلمروهای شمالی ایران به اطلاع دولت ایران رسانیده بود.<sup>۱۹</sup> بنابراین تنها راه انتقال نفت، از طریق لوله‌کشی نفت از سراسر خاک ایران به خلیج فارس بود که امتیاز انحصاری لوله‌کشی و حمل نفت در سراسر کشور نیز طبق امتیازنامه داری به شرکت نفت ایران و انگلیس واگذار شده بود.

از سوی دیگر انگلستان که طرح دعاوی خود را درباره خرید امتیاز غیرقانونی خوشناریا بی‌ثمر دید<sup>۲۰</sup> از پیگیری موضوع صرف‌نظر کرد و درصدد برآمد با شرکت نفت استاندارد اوایل به توافق برسد و در زمانی که دولت آمریکا انگلیس را جهت اثبات قانونی بودن امتیاز خوشناریا تحت فشار قرار داده بود این کشور به سفیر آمریکا در لندن اطلاع داد که انگلستان از طرح دعاوی فوق صرف‌نظر کرده است چرا که: «یکی از صاحب‌منصبان وزارت خارجه انگلیس محرمانه گفته است که چارلز گرینوی رئیس هیئت‌مدیره شرکت نفت انگلیس و ایران و بدفورد از شرکت نفت استاندارد اخیراً در لندن یکدیگر را ملاقات کرده‌اند و نیز چنین استنباط شده است که برای انجام عملیات مشترک توافقی غیررسمی میان آنها به وجود آمده است...»<sup>۲۱</sup>

در واقع همزمان با استاندارد اوایل کمپانی آمریکایی سینکلر نیز به سرمایه‌گذاری در نفت شمال ایران علاقه نشان داده و نماینده‌اش را جهت مذاکره با دولت ایران گسیل داشته بود، بنابراین هر آن انتظار می‌رفت در صورت عدم توافق انگلیس با استاندارد اوایل، کمپانی سینکلر به‌طور مستقل با دولت ایران به توافق دست یابد به ویژه اینکه نمایندگان استاندارد اوایل نسبت به توافق با شرکت نفت ایران و انگلیس همدلی نشان داده بودند و انگلستان توافق با استاندارد اوایل را تنها راه حل مسالمت‌آمیز مسئله نفت شمال به نفع خود می‌دانست، و در همین راستا بود که به‌رغم دخالت و مخالفت شوروی بابت اعطای نفت شمال به کشور ثالث، در این برهه هرچند به طور موقت تا زمان رفع بحران سفارت شوروی در تهران از کمپانی سینکلر حمایت می‌کرد و سفارت انگلستان کمپانی استاندارد اوایل را ترجیح می‌داد.<sup>۲۲</sup> این وضعیت به میان مردم عادی کشور نیز کشیده شد و هر یک از دو کشور روس و انگلیس هواداران ایرانی خود را تحریک کرده بودند به نفع کمپانی استاندارد اوایل و یا سینکلر وارد معرکه شوند.<sup>۲۳</sup>

۱۹. ژرژ لنجاسکی، پیشین، ص ۱۰۷. ۲۰. مصطفی فاتح، پیشین، ص ۲۲۴.

۲۱. بنجامین شوادران، پیشین، ص ۹۳.

۲۲. احمدعلی سپهر، خاطرات سیاسی مورخ‌الدوله سپهر، به کوشش احمدسمعی، تهران، نشرنامک، ۱۳۷۴، ص ۲۰۳ و

صص ۵۲۴-۵۲۷. ۲۳. آرتور چستر میلسپو، پیشین، ص ۲۹۵ (توضیح مترجم).

بدین ترتیب کمپانی استاندارد اوپل راهی جز به توافق رسیدن با شرکت نفت ایران و انگلیس نداشت. طبق بند دوم عهدنامه داری «صاحب این امتیاز دارای حق بالانحصار کشیدن لوله‌های لازمه از سرچشمه‌های نفت و قیر و غیره تا خلیج فارس و کذالك شعبات لازمه لوله‌های فوق به جهت توزیع و تقسیم نفت به جاهای دیگر خواهد بود و کذالك بنای چاههای نفت و حوضها و محل تلمبه و مواقع جمع و تقسیم و تأسیس کارخانه و غیره از هرچه که لازم باشد خواهد داشت» و طبق ماده ششم این عهدنامه دولت ایران در صورتی می‌توانست نفت ایالات شمالی کشور را به کشور دیگری غیر از انگلیس واگذار نماید که «به هیچ کس اجازه ندهد که لوله‌های نفت به طرف رودخانه‌ها و سواحل جنوبی ایران تأسیس نماید»<sup>۲۴</sup> با توجه به وضع موجود، کمپانی استاندارد اوپل با شرکت نفت ایران و انگلیس وارد مذاکره شد و نهایتاً در قبال ایجاد تسهیلات حمل و صدور نفت از طریق مرزهای جنوبی کشور توسط شرکت نفت ایران و انگلیس حاضر شد این شرکت را در منافع نفتی حاصل شده از نفت شمال ایران بالمناصفه سهم گرداند. اما این قرارداد با ماهیت اعطای امتیاز نفت شمال از سوی مجلس ایران به کمپانی استاندارد اوپل مابینت داشت و به همین دلیل راه به جایی نبرد و امتیاز آن ملغی اعلام شد.<sup>۲۵</sup>

دولت ایران که در این برهه از سوی کشورهای ذینفع در نفت شمال ایران شدیداً تحت فشار قرار گرفته بود و همچنین فشارهای عدیده مالی، آن را از دریافت یک وام ناگزیر ساخته بود و از سوی دیگر در واگذاری نفت شمال به شرکتهای نفتی مستقل آمریکایی اصرار داشت بر آن شد جهت جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی شرکتهای نفتی، قانونی تحت عنوان «قانون شرایط اساسی [اعطای] امتیاز نفت شمال به یک کمپانی معتبر مستقل آمریکایی» به تصویب برساند که از جمله آن شرایط اعطای وامی به مبلغ ده میلیون دلار به دولت ایران و عدم مشارکت و یا واگذاری امتیاز به کمپانی و یا کشور ثالث دیگری بود (۲۳ خرداد ۱۳۰۲).<sup>۲۶</sup> بدین ترتیب زمینه برای اعطای امتیاز نفت شمال به کمپانی سینکلر آماده شد، مضافاً اینکه گریفنلد سفیر آمریکا در تهران در نامه‌ای خطاب به رضاخان رئیس‌الوزرای وقت ضمن حمایت از اعطای نفت شمال به سینکلر اضافه کرد: «۱. دولت آمریکا بین کمپانیهایی که در این موضوع داخل اقدامات می‌شوند هیچگونه تفاوت و امتیاز قائل نخواهد شد. ۲. هر کمپانی معتبر آمریکایی که در

۲۴. حسین فاخر. جریان رسپانگی به الغاء امتیاز نفت داری در جامعه ملل سابق. تهران، کتابفروشی ابن‌سینا، بی‌تا. صص ۶۵-۶۶.

۲۵. آرتور جستر میلیسو، پیشین، ص ۲۵۶؛ و ژرژ لنجافسکی، پیشین، ص ۱۰۷.

۲۶. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سندهای ۱-۵۰۳۶۴ تا ۱۰-۵۰۳۶۴.

ایران دارای امتیاز قانونی صحیحی بشود دولت آمریکا حاضر است به منافع و مصالح مشروع آن مساعدت نماید. ۳. وزارت امور خارجه آمریکا من باب بسط و توسعه اصل باب المفتوح و رعایت تساوی حقوق ذات‌البین سیاست عمومی خود را بدین طریق قرار داده است که با سرمایه‌داران و کمپانیهای آمریکایی که از مواردی که برای اخذ امتیاز به دست می‌آید استفاده می‌نمایند هرگونه مساعدت مشروع سیاسی بنمایند...»<sup>۲۷</sup>

در این میان کمپانی سینکالر نیز با چند مشکل جدی روبه‌رو بود: اول مخالفت دولت انگلیس و شرکت نفت ایران و انگلیس که پس از لغو امتیاز استاندارد اوایل خود را مغبون احساس می‌کرد و هرگز رضایت نمی‌داد بدون مشارکت آن کشور نفت شمال ایران توسط شرکتهای آمریکایی مورد بهره‌برداری قرار گیرد، به ویژه اینکه به دلیل موقعیت سیاسی - اقتصادی مستحکم خود در ایران جلوگیری از عملیات سینکالر را امری دشوار تلقی نمی‌کرد، چنانکه پیش از این نیز درباره کمپانی استاندارد اوایل چنین کرد؛ حق انحصاری حمل و انتقال نفت در سراسر کشور تا کرانه‌های خلیج فارس طبق قرارداد داری در اختیار آن کشور قرار داشت. بنابراین سینکالر در موقعیتی که قانون نفت مصوبه مجلس ایران هرگونه مشارکت شرکتهای آمریکایی طرف قرارداد با ایران را با شرکتهای خارجی دیگر منع می‌کرد نمی‌توانست به طرز مسالمت‌آمیز و مشارکت سودجویانه با انگلستان کنار بیاید، در نتیجه، باب هرگونه مذاکره با شرکت نفت ایران و انگلیس با آن شرکت مسدود بود. در واقع انگلستان با توسل به بهانه‌های واهی، و به خصوص خروج روسیه از ایران، خود را در بهره‌برداری از تمام منابع اقتصادی کشور محق می‌شناخت، بنابراین داشتن حق مشارکت با شرکتهای آمریکایی را نازل‌ترین حد اشتباهی سیری‌ناپذیر خود تشخیص داده بود. بدین لحاظ در زمانی که مجلس ایران از اعطای هرگونه امتیاز جدیدی به این کشور ابا داشت این کشور هرگز حاضر نمی‌شد مشروعیت فعالیت شرکتهای آمریکایی را در ایران به رسمیت بشناسد. بدین ترتیب شرکت سینکالر هیچ‌گونه امیدی به انتقال نفت استخراجی خود از راه جنوب نداشت. پس تنها راه ممکن، انتقال نفت شمال ایران از طریق قلمروهای روسیه شوروی فقط به نظر مساعد دولتمردان این کشور بستگی داشت. پیش از این از طرفداری مصلحت‌آمیز دولت شوروی از موضع کمپانی سینکالر در برابر کمپانی نفت استاندارد اوایل و شرکت نفت ایران و انگلیس سخن به میان آمد، اما با عقب‌نشینی انگلیس و لغو امتیاز استاندارد اوایل، شوروی خطر گسترش نفوذ انگلستان تا مجاورت مرزهای جنوبی‌اش را مرتفع دید، بنابراین بعید می‌نمود در قبال اعطای امتیاز نفت شمال ایران به سینکالر نرمش نشان

۲۷. همان، سند ۱۱۲۵۰-ن و ۱۱۲۵۱-ن.

دهد. با این حال خود دولت ایران هم به‌رغم تجارب تلخی که از دخالت روسیه در ایران داشت در این وهله بعید می‌دانست این کشور در مقابل کمپانی سینکلو و امتیاز اعطایی به آن اشکال جدی ایجاد کند.<sup>۲۸</sup> چنانکه انعقاد قرارداد نفت با شرکت سینکلو در میان دولتمردان ایرانی با حسن نظر تلقی و دنبال شد و در برخی مناطق به همین مناسبت جشنهایی برپا شد<sup>۲۹</sup> و سیل تلگرافهای تبریک از شهرستانهای مختلف کشور به مناسبت موفقیت دولت ایران در انعقاد قرارداد اعطای امتیاز نفت شمال به شرکت سینکلو به سوی حکومت مرکزی ایران سرازیر شد.<sup>۳۰</sup>

اما به‌رغم موافقت دولت ایران با تخفیف در مورد برخی از شرایط قرارداد یادشده، نظیر انصراف از اخذ قرضه‌ای به مبلغ ده میلیون دلار از مدیران شرکت نفت سینکلو، نهایتاً با مخالفت‌های جدی دولت روسیه شوروی و در درجه دوم انگلیس، این شرکت نیز پیش از آنکه موفق به هرگونه اقدامی شود از امتیاز نفت شمال ایران چشم پوشید و بار دیگر با دخالت‌های ناروای همسایگان زیاده‌طلب، تلاش‌های دولت ایران جهت بهره‌برداری از نفت شمال بلااثر باقی ماند.<sup>۳۱</sup> شرکت سینکلو پیش از این برخی اقدامات به عمل آورده و در قلمروهای شوروی سرمایه‌گذاریهایی کرده بود؛ بنابراین بدون اینکه به ویژگیهای سیاسی - استراتژیکی ایران و روابط ظریف آن با کشورهای روسیه و انگلیس توجه نماید تصور می‌کرد که خواهد توانست نظر مساعد مسکورا به سوی خود جذب نماید، غافل از اینکه این اقدام شرکت سینکلو امتیازات آن را در خاک شوروی نیز از میان خواهد برد. در واقع پیش از اینکه قرارداد نفت شمال ایران با سینکلو امضاء شود این شرکت با دولتمردان شوروی به مذاکراتی پرداخته بود که حاصل آن اعطای امتیاز نفت جزایر ساخارین در خاک شوروی و همچنین اعطای حق فروش فرآورده‌های نفتی روسیه در بازارهای جهانی از سوی دولت شوروی به شرکت سینکلو بود؛ بنابراین بخشی از امیدواری شرکت سینکلو به موفقیت خود درباره نفت شمال ایران نیز به همین توافقها مربوط می‌شد، به همین دلیل درباره کسب اجازه عبور فرآورده‌های نفتی شمال ایران از طریق لوله نفت باطوم - باکو، با این کشور به مذاکره پرداخت و حتی پاره‌ای از گزارشها حاکی از موافقت‌های اولیه دولت شوروی با این طرح بود. اما این مذاکرات سرانجام به شکست انجامید. و دولت روسیه شوروی که حضور این شرکت را در شمال ایران مخل اهداف سیاسی - اقتصادی خود تشخیص می‌داد، علاوه بر رد پیشنهاد عبور

۲۸. ژرژ لنجافسکی، پیشین، ص ۱۰۸.

۲۹. امان‌الله اردلان، *خاطرات عزالممالک اردلان*، به کوشش باقر عاقلی، تهران، نشر نامک، ۱۳۷۲، ص ۲۱۰.

۳۰. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، برای نمونه سندهای ۱۱۲۴۶-ن و ۱۱۲۴۷-ن و ۱۱۲۴۸-ن و ۱۱۲۳۲-ن و ۱۱۲۳۹-ن و ۱۱۲۴۲-ن.

۳۱. بنجامین شوادران، پیشین، ص ۸۲.

نفت شمال ایران از خاک این کشور، امتیازات نفتی سینکالر در خاک شوروی را هم که پیش از این به آن اعطاء کرده بود ملغی اعلام نمود. بنابراین می‌شود حدس زد که حتی امتیازات اعطایی به سینکالر در خاک شوروی نیز نمی‌توانست بیش از یک مانور سیاسی از طرف این کشور بوده باشد که با توجه به رقابت روس و انگلیس هنگام واگذاری نفت شمال به کمپانی استاندارد اوپل و مشارکت شرکت نفت ایران و انگلیس در آن طرح به سینکالر واگذار شده بود. و به همین دلیل مدت کوتاهی پس از رفع خطر نفوذ انگلیس در شمال ایران پایبندی به امتیاز فوق را عبث شمرد. مضافاً اینکه در همین زمان شیاعتی در تهران بر سر زبانها بود حاکی از اینکه دولت انگلیس نیز تلاشهایی را جهت لغو امتیاز سینکالر سامان داده، چنانکه حریق ساختمان مجلس شورای ملی در روزی که نمایندگان مجلس به اعطای امتیاز سینکالر رأی مثبت داده بودند،<sup>۳۲</sup> و همچنین قتل معاون کنسولگری آمریکا، یعنی مازور ایمبری، در تهران نیز به توطئه این کشور جهت عقیم ماندن امتیاز سینکالر نسبت داده شد.<sup>۳۳</sup> بدین ترتیب در موقعیتی که دولت ایران نیز هیچ‌گونه مساعدت عملی بیشتری به نفع شرکت سینکالر نمی‌توانست انجام دهد شکست طرح بهره‌برداری از نفت شمال ایران توسط این شرکت امری حتمی به نظر می‌رسید. بنابراین بار دیگر با مخالفت‌های روسیه شوروی و انگلیس طرح بهره‌برداری از نفت شمال ایران عقیم ماند<sup>۳۴</sup> و کمپانی سینکالر به دولت ایران اطلاع داد که: «به علت رفتاری که از جانب دولت روسیه سر زده است سینکالر قادر به انجام [دادن] تعهدات خود درباره نفت شمال ایران نیست»،<sup>۳۵</sup> و دکتر میلسپو نیز که خود از سازمان‌دهندگان اصلی ورود شرکتهای نفتی آمریکایی به ایران بود در این باره نتیجه‌گیری کرد که: «چون موضوع به مسائل سیاسی کشیده شده بود الزاماً ایجاب می‌کرد که مسئله به بن‌بست کشیده شود...»<sup>۳۶</sup>

بدین ترتیب روسیه شوروی و انگلیس وقتی خطر ورود شرکتهای نفتی آمریکایی به شمال ایران را مرتفع دیدند از پیگیری اخذ امتیاز نفت شمال ایران جهت اتباع خود به‌طور موقت صرف‌نظر کردند. موضعگیری فوق به روشنی رجحان اهمیت سیاسی نفت شمال ایران بر جنبه اقتصادی آن را نشان می‌دهد. در طی چند سالی که در پی وقایع مذکور آمد دولت روسیه بیشتر به صدور نفت به قلمروهای شمالی ایران تمایل نشان داد تا استخراج نفت از مناطق نفتی شمال ایران. چنانکه طی قرارداد بازرگانی با ایران در سال

۳۲. ژرژ لچافسکی، پیشین، ص ۱۰۸. ۳۳. امان‌الله اردلان، پیشین، ص ۲۱۲.

۳۴. استوارت ا. ریچارد، در آخرین روزهای رضاشاه: تهاجم روس و انگلیس به ایران در شهریور ۱۳۲۰، ترجمه

عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران، نشر نو، ۱۳۷۰، صص ۱۴-۱۵.

۳۵. ارتور چستر میلسپو، پیشین، ص ۲۵۸. ۳۶. همان، ص ۲۵۹.

۱۳۰۶ش / ۱۹۲۷م خواستار تسهیلات بیشتری جهت ورود نفت این کشور به ایران شد که این امر علاوه بر صرفه تجاری - سیاسی برای این کشور از گسترش و نفوذ شرکت نفت ایران و انگلیس به قلمروهای شمال ایران جلوگیری می‌کرد و تفوق سیاسی - اقتصادی روسیه شوروی را در آن مناطق بارزتر می‌ساخت.<sup>۳۷</sup>

پس از این جریان در سال ۱۹۳۱م / ۱۳۱۰ش بود که دولت شوروی بار دیگر برای سرمایه‌گذاری در نفت شمال ایران تمایل نشان داد چنانکه پتروفسکی سفیر شوروی درباره علایق کشور خود به نفت شمال ایران به سفیر آلمان اظهار داشته بود: «... در شمال ایران قاعدتاً باید نفت وجود داشته باشد و برجسته‌ترین کارشناس روس نیز این نظر را تأیید کرده است». وی اظهار امیدواری کرده بود که هرگاه با دولت ایران به توافق برسند «می‌توان نفت را به کمک خط لوله‌ای تا دریای خزر رساند و از آنجا برای تصفیه با کشتیهای نفتکش به باکو حمل کرد...»<sup>۳۸</sup> این طرح هرگز جامه عمل نپوشید اما کمتر از دو سال بعد که امتیاز داری از سوی رضاشاه بی‌اعتبار اعلام شد شایعاتی بروز کرد مبنی بر اینکه دولت شوروی به تلافی مشکلاتی که انگلستان در راه اخذ امتیاز نفت شمال برای آن کشور ایجاد کرده در این تصمیم رضاشاه دخالت داشته است.<sup>۳۹</sup> هرچند درستی این نظریه را نمی‌توان به یقین ثابت کرد.

جدی‌ترین تلاش دولت ایران در طی این سالها جهت اعطای امتیاز نفت در بخشی از مناطق شمالی ایران در سال ۱۹۳۷م / ۱۳۱۵ش صورت گرفت و آن اعطای امتیاز نفت نواحی شمال و شمال شرقی خراسان به شرکت آمریکایی آمرینین از شعبات کمپانی Sea Baord Oil Company of dela are بود که مجلس شورای ملی ایران در ۱۵ بهمن ۱۳۱۵ مفاد آن را تأیید و تصویب کرد.<sup>۴۰</sup> اما این امتیاز نیز بدون اینکه منجر به نتیجه‌ای مثبت شود در سال بعد لغو شد و شرکت آمریکایی آمرینین به دلایل ظاهراً اقتصادی از انجام دادن تعهداتش طفره رفت هرچند «در این گیرودار روزنامه‌های شوروی بی‌میل نبودند که این عقب‌نشینی را به فشار سیاست روسیه به ایران پیوند دهند.»<sup>۴۱</sup> چنانکه تلاش یک کنسرسیوم نفتی آمریکایی دیگر در سال ۱۹۳۴م نیز به دلایلی مشابه دلایل فوق جهت اخذ امتیاز نفت شمال به جایی نرسیده بود.<sup>۴۲</sup>

هرچند حضور شرکتهای نفتی آمریکایی در شمال ایران از نظر شوروی تهدیدی

۳۷. زرژ لنچافسکی. رقابت روسیه و غرب در ایران. ج ۲. ترجمه اسماعیل رابین. تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۶. ص ۱۲۶.

۳۸. ویرت بلوشر. سفرنامه بلوشر. ترجمه کیکاوس جهانداری. تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳. ص ۱۸۶.

۳۹. آنتون زیشنگا، پیشین، ص ۱۶۲.

۴۰. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۵ بهمن ۱۳۱۵.

۴۱. زرژ لنچافسکی. غرب و شوروی در ایران، پیشین، ص ۱۰۹.

۴۲. ویرت بلوشر، پیشین، ص ۲۶۷.

درجه دوم محسوب می‌شد اما عمده نگرانی این کشور نفوذ انگلستان بود. در همین راستا بود که سیاستمداران شوروی ورود آمریکاییها را مقدمه نفوذ انگلستان می‌دانستند چنانکه برای نمونه «روسها گمان می‌کردند که شرکت نفت آمرینین در واقع نقابی است به صورت شرکت نفت انگلیس و ایران» چرا که چنین تحلیل می‌کردند که هرگاه مساعدتهای فنی - سیاسی شرکت نفت ایران و انگلیس اجازه ندهد شرکتهای به ظاهر مستقل آمریکایی هیچ‌گاه قادر به حمل نفت از شمال ایران به کرانه‌های خلیج فارس نخواهند بود.<sup>۴۳</sup> از تلاش ناموفق شرکت فرانسوی رویال داچ شل جهت بهره‌برداری نفت شمال ایران که بگذریم، مسئله نفت شمال ایران تا اواخر جنگ جهانی دوم مسکوت ماند.<sup>۴۴</sup> هرچند عدم موفقیت شرکت نامبرده نیز در برخی منابع به دشمنی شخص نماینده آن یعنی دتردینگ با دولت شوروی نسبت داده می‌شود؛ ظاهراً این شخص در هنگام وقوع انقلاب ۱۹۱۷ شوروی با ضدانقلابیون همکاری نظامی داشته است.<sup>۴۵</sup>

دور بعدی درگیریهای سیاسی کشورهای روسیه شوروی و انگلستان با دولت ایران هنگامی آغاز شد که در بحبوحه تداوم جنگ جهانی دوم و حضور نیروهای متفقین در ایران، در دی ماه ۱۳۲۲/ژانویه ۱۹۴۴ نمایندگانی از شرکت نفت انگلیسی شل و در اسفند همان سال نمایندگانی از شرکت نفتی آمریکایی استاندارد و اکیوم یا سوکونی و اکیوم به تهران وارد شدند تا درباره مناطق نفتخیز ایران، خارج از محدوده امتیاز نفت جنوب، با دولت ایران مذاکره کنند. این واقعه مربوط به دوره نخست‌وزیری علی سهیلی می‌شد. چندی بعد هم در تیر ۱۳۲۳، که ساعد مراغه‌ای در رأس کابینه بود، پیشنهادهای مشابهی از طرف شرکت نفتی سینکالر تسلیم دولت ایران شد.<sup>۴۶</sup> پیش از این، مسئله نفت شمال ایران بدون اینکه کشورهای درگیر به یک نتیجه قطعی درباره آن دست یابند خاتمه یافته بود. بنابراین هیچ‌گونه توافقی در آن باره وجود نداشت و صرفاً اقتدار و نفوذ سیاسی - استراتژیکی - اقتصادی هر یک از آن کشورها وضعیت موجود را حفظ کرده بود. بدین ترتیب طبیعی می‌نمود که هر یک از کشورهای ذینفع پس از فراهم شدن موقعیت مناسب درصدد دنبال کردن مجدد قضیه برآید. مضافاً اینکه به نظر می‌رسید کنفرانس تهران در سال ۱۹۴۳م هم هیچ‌گونه منعی در مورد این امر قائل نشده و شاید به همین دلیل هم بود که در جواب استفسار شرکت سوکونی و اکیوم، وزارت امور خارجه آمریکا تصریح کرده بود که: «آمریکا از بسط تمام منابع خارجی ممکن نفت به لحاظ

۴۳. بنجامین شوادران، پیشین، ص ۸۷. ۴۴. احمدعلی سپهر، پیشین، ص ۲۰۵.

۴۵. احسان طبری، *جامعه ایران در دوره رضاشاه*، استکهلم، انتشارات حزب توده، ۱۳۵۶، ص ۱۲۸.

۴۶. محمد ساعد مراغه‌ای، *خاطرات سیاسی ساعد مراغه‌ای*، به کوشش باقر عاقلی، تهران، نشر نامک، ۱۳۷۳.





محمد ساعد مراغه‌ای | ۱۹۲۲-۱-پا

اهمیت این فراورده هم برای مقاصد جنگی و هم جهت هدفهای درازمدت جانبداری می‌کند... و مخالفتی با مذاکرات بین شرکت نفت سوکونی و اکیوم و دولت ایران ندارد» و از آنجایی که در ابتدا شرکت نامبرده به تقاضای نفت شمال بلکه درخواست اکتشاف نفت در مناطق جنوب شرقی و شرق ایران را داشت؛ بنابراین مخالفت از سوی شوروی را احتمال نمی‌داد بلکه در این مورد انگلیس را جدی‌تر تلقی می‌کرد. به همین دلیل وزیر امور خارجه آمریکا در یک موضعگیری در برابر انگلیس ابراز داشت که: «... انگلستان اکنون از امتیازات نفتی وسیعی در ایران برخوردار است و تا زمانی که ایالات متحده تعهدی در برابر انگلستان در زمینه عدم تحصیل امتیاز در ایران ندارد دلیلی نمی‌بیند که شرکت سوکونی و اکیوم نقشه‌های خود را دنبال نکنند.»<sup>۲۷</sup> به نظر می‌رسید انگلستان به

۲۷. بنجامین شوادران، پیشین، ص ۵۶.

علت اینکه منبع عظیمی از نفت ایران را در مناطق جنوب و جنوب غربی کشور در اختیار داشته است، برای برخورد احتیاط‌آمیز خود با موضع وزارت خارجه آمریکا دلایل کافی در اختیار داشته باشد. اما به‌رغم تمام این مسائل انگلیسیها از اینکه پای شرکتهای نفتی کشور ثالث دیگری به موضوع نفت ایران، آن هم در جوار حوزه نفتی شرکت نفت ایران و انگلیس، به میان کشیده شود سخت نگران شدند. به ویژه اینکه انگلیسیها حوزه بلوچستان را از نظر ذخایر نفتی بسیار غنی می‌پنداشتند که نزدیکی آن به دریا و حمل و نقل آسان فرآورده‌های آن نیز بر دردسرهای آنها می‌افزود.<sup>۴۸</sup> ورود نمایندگان شرکت نفتی سینکلر و سوکونی و اکیوم آمریکایی و شل انگلیسی در سفارت شوروی در تهران تولید نگرانی کرد، به ویژه اینکه در مسائل نفت ایران و نفوذی که از این راه در ایران به دست می‌آوردند خود را مغبون می‌دید. مضافاً اینکه به‌رغم اتحاد با دو کشور آمریکا و انگلیس در جنگ، در نهایی‌ترین تحلیل، منافع خود در ایران را با این کشورها در تعارض جدی تلقی می‌کرد. نگرانی روسیه شوروی هنگامی مضاعف شد که دولت ایران درصدد برآمد درباره پیشنهادهای شرکتهای آمریکایی و انگلیسی به مطالعه و بررسی بپردازد، و دو تن از کارشناسان نفتی آمریکایی را به کشور فراخواند. بعید می‌نماید که سخن ساعد مراغه‌ای که در دفاع از دولت خود اظهار می‌دارد که به پیشنهادهای کمپانیهای یادشده جواب رد داده و هیچ‌گونه تصمیمی برای واگذاری امتیاز نفت نداشته است،<sup>۴۹</sup> یا حقیقت قرین باشد.<sup>۵۰</sup> چرا که در غیر این صورت دلیلی وجود نداشت پاسخ صریحی به شرکتهای فوق داده نشود و در این امر موجبات نگرانی و در نهایت تحریک روسها را جهت اخذ امتیازات مشابهی فراهم آورد. علاوه بر این، شخص او در پاسخ دولت روسیه شوروی که خواستار نفت خوریان،<sup>۵۱</sup> که خود مقدمه‌ای برای تقاضای نفت شمال ایران<sup>۵۲</sup> بود، متذکر شد: «... که هرگاه مقامات شوروی به ایران وارد شوند با نهایت گرمی از آنها پذیرایی به‌عمل خواهد آمد».<sup>۵۳</sup> در پی چنین تحرکاتی بود که دولت شوروی مصمم شد به‌طور جدی مسئله امتیاز نفت شمال را که برای آن کشور بیشتر ارزش سیاسی و استراتژیکی داشت تا ارزش اقتصادی، مورد توجه قرار دهد و به همین منظور هیئتی را در شهریور ۱۳۲۳ به ریاست س.ای. کافتارادزه معاون کمیساریای ملی امور

۴۸. احمد آرامش. *خاطرات احمد آرامش*. به کوشش غلامحسین میرزا صالح. اصفهان، نشر جی، ۱۳۶۹.

صص ۲۲-۲۳. ۴۹. محمد ساعد مراغه‌ای، پیشین، ص ۱۸۱.

۵۰. مصطفی فاتح، پیشین، ص ۳۵۳.

۵۱. خوریان قریه‌ای است در یک فرسنگ و نیمی جنوب سمنان که در منطقه کویری واقع است.

۵۲. پنجامین شوادران، پیشین، ص ۸۵. ۵۳. محمد ساعد مراغه‌ای، پیشین، ص ۸۲.

خارج آن کشور به تهران فرستاد. ساعد مراغه‌ای که به نظر می‌رسد در این برهه طرفداری از سیاست انگلیس و آمریکا را بر طرفداری شوروی ترجیح می‌داده پیش از ورود کافتارادزه و در هنگامی که احتمال ارائه تقاضاهای نفتی شوروی می‌رفت، در موقعیتی که کمپانیهای آمریکایی و انگلیسی در حال مذاکره با دولت ایران بودند، در یک اقدام پیشگیرانه که احتمالاً بدون رضایت آمریکاییها و انگلیسیها هم نبود، بر آن شد تا قبل از پایان جنگ دوم جهانی از اعطای امتیاز نفت به کشورهای خارجی خودداری کند.<sup>۵۴</sup> دقیقاً در همین زمان است که شاهد انصراف شرکتهای سوکونی و اکیوم و سینکالر و شل از پیگیری امتیاز نفت هستیم.<sup>۵۵</sup> بنابراین موافقت با ورود کافتارادزه می‌توانست نتیجه فشارهای عدیده سیاسی داخلی و خارجی و یک نوع مانور سیاسی تلقی بشود، مخصوصاً اینکه دولت شوروی تبلیغات شدیدی در مخالفت با اعطای امتیاز نفت به شرکتهای آمریکایی و انگلیسی به راه انداخته بود و از دولت ایران انتقادات سختی می‌کرد و حتی با حضور ارتش آمریکا در ایران نیز مخالف بود.<sup>۵۶</sup>

مأموریت اصلی کافتارادزه در ابتدای امر پوشیده نگاه داشته شد و دولت شوروی اعلام کرد که این هیئت صرفاً جهت مذاکره درباره نفت خوریان با دولت ایران به تهران روانه شده است.<sup>۵۷</sup> اما از آنجایی که هدف اصلی شوروی اخذ امتیاز نفت شمال ایران بود این هدف را در پوشش پیشنهاد تشکیل یک شرکت مختلط ایرانی و روسی برای استخراج و بهره‌برداری از نفت شمال ایران مخفی نگاه داشت.<sup>۵۸</sup> در پی آشکار شدن هدف اصلی شوروی که همانا اخذ امتیاز نفت شمال ایران بود مسئله امتیاز نفت خوریان در نزدیکی سمنان نیز بار دیگر به بوته فراموشی سپرده شد.<sup>۵۹</sup> با روشن شدن اهداف کافتارادزه بار دیگر کشورهای روسیه و انگلیس و آمریکا در پوشش طرفداران ایرانی خود مبارزه گسترده‌ای را آغاز کردند. چنانکه طرفداران دولت انگلیس، نظیر سیدضیاءالدین طباطبائی که از پشتیبانی این کشور برخوردار بود، تقاضاهای نفتی دولت شوروی را شدیداً مورد انتقاد قرار دادند و دولت را تحت فشار گذاشتند تا جدأ از موافقت با تقاضاهای کافتارادزه خودداری ورزد.<sup>۶۰</sup> بیشترین و مهمترین درگیریها در درون مجلس شورای ملی میان نمایندگان مجلس صورت گرفت. نمایندگان متمایل به

۵۴. رحیم زهتاب‌فرد، *خاطرات در خطرات*، تهران، انتشارات ویستار، ۱۳۷۳، ص ۱۴۴.

۵۵. مصطفی فاتح، پیشین، ص ۳۵۳.

۵۶. ژرژ لنچافسکی، *رقابت روسیه و غرب در ایران*، پیشین، ص ۳۰۴.

۵۷. جلال عبده، *چهل سال در صحنه*، به کوشش مجید نفرشی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۸، ص

۲۰۴. ۵۸. احمد آرامش، پیشین، ص ۲۳.

۵۹. بنجامین شوادران، پیشین، ص ۸۵. ۶۰. همان، صص ۲۷۰-۲۷۱.

شوروی که غالباً از اعضای حزب توده بودند دولت را جهت موافقت با تقاضاهای نفتی کافتارادزه سخت تحت فشار قرار می‌دادند و مطبوعات وابسته به آنها حملات تندی به دولت و مخالفان اعطای امتیاز به شوروی می‌کردند چنانکه: «حزب توده در مجلس در میتینگهای حزبی و... صریحاً دولت ایران را به دادن نفت شمال به شوروی نه تنها تشویق بلکه تهدید می‌کرد. حزب توده مدعی بود که دولت و جناح راست و جراید وابسته به سیدضیاء وقتی مذاکره و واگذاری و تجدید قرارداد نفت انگلیس مطرح است همه خفقان می‌گیرند ولی وقتی پیشنهاد نفت شمال از جانب شوروی عنوان می‌شود سروصداها بلند می‌شود».<sup>۶۱</sup>

یوسف افتخاری از اعضای حزب توده در این باره می‌نویسد: «وقتی که کافتارادزه آمد... ما موافق بودیم که نفت به شورویها داده شود، من خودم هم موافق بودم که نفت به شورویها داده شود ولی با شرایط بهتری که مشابه این شرایط را هم بر شرکت نفت انگلیس تحمیل کنیم که یا قبول کند و یا برود پی کارش».<sup>۶۲</sup> برخی از نمایندگان طرفدار شوروی دولت را متهم می‌کردند که مخفیانه امتیاز نفت را به شرکتهای آمریکایی و انگلیسی واگذار کرده است.<sup>۶۳</sup> در این شرایط ساعد هرگونه اتهامی در این موارد را رد کرد و مخالفت دولت با اعطای امتیاز نفت به شوروی و دیگر کشورها را با خواسته‌های بعضی از نمایندگان مرتبط دانست، یعنی نمایندگانی که نگران بودند «مبادا در این موقع جنگ و ستیز دولتی بر سر کار باشد که بدون مراجعه به رأی مجلس و استجازه از این مقام مقدس در مقابل شرکتهای دولتها تعهدی کرده و یا وعده اعطای امتیازی داده باشد...».<sup>۶۴</sup>

کافتارادزه در مصاحبه‌ای در سفارت شوروی در تهران، ضمن انتقاد شدید از دولت ساعد، تهدید کرد که: «این جانب باید صراحتاً و به‌طور آشکار اظهار نمایم که تصمیم فوق در محافل شوروی کاملاً به‌طور منفی تلقی گردیده است. افکار عمومی شوروی بر این عقیده است که دولت جناب ساعد به وسیله اتخاذ چنین رویه‌ای در باب شوروی در راه تسیرگی مناسبات بین دو کشور قرار گرفته است... [و] رویه غیرصمیمانه و غیردوستانه‌ای که از طرف دولت ایران نسبت به دولت شوروی اتخاذ گردیده است همکاری نمایندگان دولت شوروی را در ایران با دولت ساعد در آتیه امکان‌ناپذیر ساخته است».<sup>۶۵</sup> هیئت کافتارادزه که به‌رغم این تهدیدات نتوانست از راه مسالمت‌آمیز دولت

۶۱. رحیم زهتاب‌فرد، پیشین، ص ۱۴۳.

۶۲. یوسف افتخاری، خاطرات دوران سپهری نماه، به کوشش مجید تفرشی و کاوه بیات، تهران، نشر فردوس،

۱۳۷۰، ص ۸۵. ۶۳. محمد ساعد مراغه‌ای، پیشین، ص ۱۸۲.

۶۴. همان، ص ۱۸۳. ۶۵. همان، ص ۱۸۷.



سیدضیاءالدین طباطبایی | ۱۱-۲۰۵۲

ایران را به اعطای امتیاز نفت شمال راضی نماید درصدد برآمد تا به شیوه‌های خشونت‌آمیزتری متوسل شود. به همین دلیل تحت راهنماییهای نمایندگان طرفدار شوروی در پنجم آبان ماه ۱۳۲۳ راهپیمایی نسبتاً گسترده‌ای از سوی عناصر حزب توده طرفدار شوروی در تهران صورت گرفت و طی آن تظاهرکنندگان ضمن محکوم نمودن دولت ایران خواستار امضای قرارداد اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی بودند. در همان حین روزنامه‌های وابسته به حزب توده نیز که تا پیش از ورود کافتارادزه در مخالفت با آمریکاییها و انگلیسیها اعطای هرگونه امتیاز نفت به کشورهای خارجی را محکوم می‌کردند در یک چرخش ناگهانی طرفداری خود را از اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی اعلام کردند. حزب توده علاوه بر تهران در اکثر بخشهای شمالی کشور نظیر آذربایجان، گیلان، مازندران و کردستان نیز دست به تحریکات وسیعی زد و به انحاء مختلف گروهی از مردم را به مراکز شهرستانها فراخواند و با تشکیل راهپیماییهای متعدد

به سر دادن شعارهایی بر ضد دولت ساعد دست زد.<sup>۶۶</sup> اما مسئله‌ای که در نهایت به ضرر شوروی و حزب توده تمام شد مشارکت و حرکت نیروهای نظامی شوروی حاضر در تهران در تظاهرات یادشده بود. این اقدام بیش از پیش نفرت عمومی را نسبت به سیاستهای تجاوزکارانه روسیه شوروی در ایران برانگیخت و ارزش و اعتبار اعضای حزب توده را به عنوان کسانی که خود را مدافع حقوق سیاسی کشور نشان می‌دادند، در انظار عمومی و غیره زیر سؤال برد. از سوی دیگر، این امر موضع مخالفان اعطای امتیاز نفت به شوروی را در مجلس شورای ملی و در درون دولت تقویت کرد. تظاهرات عناصر حزب توده با کمک قشون روسیه شوروی در تهران به حدی وضع شوروی و این حزب را در معرض خطر قرار داد که حتی برخی از اعضای این حزب درصدد برآمدند آن تظاهرات را به توطئه انگلیس نسبت دهند. یوسف افتخاری می‌نویسد: «... توده‌ایها آمدند به نفع کافتارادزه تظاهراتی به راه انداختند. انگلیسیها همیشه عده‌ای را در میان این گروهها دارند... انگلیسیها برای مفتضح کردن روسها توده‌ایها را وادار کردند که در تظاهرات خود از ارتش سرخ استفاده کنند. یک وقت دیدیم ارتش شوروی در خیابانها تظاهر می‌کند. در جلو ارتش شوروی است و پشت سرش توده‌ایها...»<sup>۶۷</sup>

در یک برهه مخالفت با اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی بدون اینکه توافقی قبلی میان آنها برقرار شده باشد تمام گروههای ضد سیاست شوروی در ایران را به هم نزدیک کرد. از جمله عمده‌ترین این گروهها کسانی بودند که به طرفداری از سیاست انگلیس خواهان جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی در ایران بودند که در این میان می‌توان از مطبوعات طرفدار این کشور، جناح سیدضیاء و برخی از رجال و منتقدین دیگر را نام برد. گروه دیگر افرادی را تشکیل می‌دادند که مخالفشان با اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی صرفاً جهت حفظ منابع ملی کشور و جلوگیری از نفوذ تمام بیگانگان بود. دکتر مصدق در بخشی از خاطرات خود در این باره می‌نویسد: «چنانچه کافتارادزه موفق شده بود امتیاز معادن نفت شمال ایران را به دست آورد نفع مشترک دو همسایه شمال و جنوب در معادن نفت ایران سبب می‌شد که ملت ایران نتواند هیچ‌وقت دم از آزادی و استقلال بزند و این یکی از مواردی بود که ما با سیاست انگلیس وجه اشتراک و وجه افتراق داشتیم. وجه اشتراکمان این بود که دولت اتحاد جماهیر شوروی از معادن نفت شمال استفاده نکند... و اما وجه افتراق ما، دولت انگلیس می‌خواست روزی از معادن نفت شمال هم استفاده کند ولی ما می‌خواستیم... هیچ دولتی نتواند برای ادامه استفاده

۶۶ رحیم زهتاب‌فرد، پیشین، ص ۱۴۵. ۶۷ یوسف افتخاری، پیشین، ص ۸۵.

از نفت آزادی و استقلال ما را دستخوش اغراض خود قرار دهد...»<sup>۶۸</sup>

حتی برخی از مورخان اعتقاد دارند طرح مخالفت با اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی ابتدا از طرف طرفداران انگلیس پیشنهاد شد که از جمله آنها می‌توان از دکتر طاهری نام برد. وی به کمک دوستان خود در مجلس و دیگر متنفذان تلاشهای سختی جهت تدوین قانونی بر ضد امتیاز نفت شمال صورت داد و «در یکی از شبهای اوایل آذرماه ۱۳۲۴ در جلسه‌ای که با حضور عده‌ای از رجال انگلوفیل تشکیل یافته بود طرحی مبنی بر رد تقاضای روسها تهیه گردید ولی چون هیچ کدام دارای وجهه ملی و آبرومندی در مجلس نبودند تصمیم گرفتند حتی‌الامکان طرح مزبور را به وسیله دکتر مصدق که بین مردم محبوبیت و مقبولیت عامه داشت به مجلس تقدیم دارند.»<sup>۶۹</sup>

درباره طرح قانون عدم اعطای امتیاز نفت در سراسر کشور به هیچ کشور و یا شرکت خارجی، خود دکتر مصدق می‌نویسد: «نطق من در جلسه هفتم و طرح قانونیم در جلسه یازدهم آبان ۲۳ راجع به تحریم امتیاز نفت مربوط به هیچ سیاستی نبود و مثل تمام بیاناتم روی مصالح مملکت ایراد شده بود» اما وی در ادامه سخنان این امر را پوشیده نمی‌دارد که به دلیل موافقت این طرح با اهداف انگلیس و «روی همین اصل طرح پیشنهادی من در مجلس که اکثریت قریب به اتفاق نمایندگانش هواخواه سیاست انگلیس بود با آن سرعت گذشت...»<sup>۷۰</sup> برای مقابله با چنین تمهیداتی بود که قانون معروف عدم اعطای امتیاز نفت به کشورها و شرکتهای خارجی به تصویب رسید. در بند اول آن تصریح شده بود: «هیچ نخست‌وزیر و وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آنها و یا معاونت می‌کنند نمی‌توانند راجع به امتیاز نفت با هیچ یک از نمایندگان رسمی و غیررسمی دول مجاور و غیرمجاور و یا نمایندگان شرکتهای نفت و هر کس غیر از اینها مذاکراتی که صورت رسمی و اثر قانونی دارد بکنند و یا اینکه قراردادی امضا نمایند.»<sup>۷۱</sup> با تصویب این قانون بعید به نظر می‌رسد که با توجه به اوضاع کشور مسئله نفت شمال ایران به‌طور قطعی فیصله پیدا کند. بنابراین کافتارادزه ناچار تهران را ترک کرد در حالی که عزیمت وی از تهران به معنای صرف‌نظر کردن کشورش از نفت شمال ایران نبود. می‌شود گفت در این مرحله کشورهای درگیر در مسئله نفت ایران هر یک به نوعی هدف خویش را پیش بردند. اولاً آمریکاییها با درک اهمیت سیاسی حضور خود در موقعیت رقابت روس و انگلیس در ایران تدریجاً زمینه‌های حضور جدی خود در ایران

۶۸ محمد مصدق. *خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق (با مقدمه غلامحسین مصدق)*. ج ۵. به کوشش ایرج افشار. تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۶. ص ۱۳۳.

۶۹ محمد مصدق. *خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق (با مقدمه غلامحسین مصدق)*. ج ۵. به کوشش ایرج افشار. تهران، انتشارات علمی، ص ۱۳۳. ۷۰ محمد مصدق. پیشین، ص ۱۳۳.

۷۱ صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهاردهم، جلسه یازدهم آذر ماه ۱۳۲۳.

را فراهم آوردند تا جایی که کمتر از شش سال بعد، مخصوصاً پس از سقوط مصدق، توانستند مشارکت سیاسی - اقتصادی جدی‌تری در ایران داشته باشند. دوم آنکه انگلستان با توجه به اینکه خود منابع عظیمی از نفت ایران در بخشهای جنوبی کشور را در اختیار داشت از آنجا که توانسته بود رقیب کهنه‌کارش را از عرصه نفت شمال در ایران به عقب‌نشینی وادارد راضی به نظر می‌رسید. خود دولت شوروی هم، هر چند در این مقطع ظاهراً نتوانست برای انعقاد قرارداد نفت شمال ایران با دولت ایران به هدف خود برسد، اما از اینکه توانسته بود تلاش شرکت‌های نفتی آمریکایی و انگلیسی را در مسائل نفتی ایران عقیم بگذارد و قلمروهای شمالی ایران را از گزند نفوذ انگلستان و آمریکا مصون نگه دارد خود را مغبون احساس نمی‌کرد هر چند از منظر دولتمردان شوروی قضیه نفت شمال ایران امری مختومه تلقی نمی‌شد و مدت زمان کوتاهی پس از مراجعت کافتارادزه به آن کشور دستاویز مهمی برای مداخله‌های سیاسی - نظامی این کشور در ایران به دست آمد.

هنگامی که پس از اتمام مهلت تعیین‌شده، در پایان جنگ جهانی دوم، دولت شوروی حاضر نشد نیروهای خود را از ایران خارج سازد بر همگان آشکار شد که آن دولت هنوز اغراض دیگری را در ایران دنبال می‌کند. آیا هدف شوروی در ایران مشابه اهدافی بود که از اشغال بخشهای وسیعی از اروپای شرقی و مرکزی دنبال می‌کرد و آن تشکیل یک سلسله کشورهای تحت سلطه این کشور با مرامهای کمونیستی بود؟ هر چند در ابتدا این نگرانی وجود داشت که دولت شوروی با تشکیل یک دولت دست‌نشانده در آذربایجان برای همیشه این ایالت را از ایران منتزع سازد، اما هنگامی که این اقدام با قضیه نفت شمال ایران مرتبط شد تا حدودی در مورد تصمیم قاطع و جدی شوروی در تجزیه آذربایجان از ایران تردید به وجود آمد. شاید اگر بین دولت ایران و دولت شوروی در زمان نخست‌وزیری قوام‌السلطنه توافقی درباره نفت شمال حاصل نمی‌شد، مسئله آذربایجان و خروج شوروی از ایران به گونه‌ای دیگر حل و فصل می‌شد. با این حال تا جایی که به مسئله نفت شمال ایران مربوط می‌شد موضعگیری اخیر دولت شوروی در ممانعت از خارج شدن نیروهای شوروی از قلمروهای شمالی ایران مهم می‌نمود. اگر چه در قضیه بحران نفت شمال ایران که منجر به تصویب قانون منع امتیاز نفت و خروج کافتارادزه از ایران شد در تحلیل نهایی می‌شد ارزیابی کرد که همین اندازه که روسیه شوروی توانسته بود از گسترش نفوذ انگلستان و آمریکا به قلمروهای شمالی ایران جلوگیری کند در واقع به اهداف خود رسیده بود؛ اما با شروع دوباره بحران که از هنگام خودداری نیروهای شوروی از خروج از ایران بروز کرد می‌شد فهمید که این کشور از نتایج به دست آمده راضی به نظر نمی‌رسد و قضیه نفت شمال را به طور جدی‌تری دنبال





جعفر پیشه‌وری رئیس فرقه آذربایجان به هنگام مطالعه روزنامه آذربایجان | ۱۱-۴۰۴۸

می‌کند. خصوصاً اینکه در موقعیت اشغال مناطق شمالی ایران توسط این کشور تا حدودی برگ برنده را در دست داشت. به هر حال با چنین زمینه‌ای دولت شوروی آذربایجان را تجزیه کرد و شخص پیشه‌وری را در رأس آن جای داد. هدف بلندمدت شوروی از چنین اقدامی هر چیز دیگری که باشد هدف کوتاه‌مدت این کشور وادار کردن ایران جهت واگذاری امتیاز نفت شمال بود کمااینکه وقایع بعدی این نظریه را به ثبوت رسانید. چنانکه در طی کنفرانس یالتا که کشورهای آمریکا و انگلستان خواستار تاریخ قطعی خروج نیروهای متفقین از ایران بودند مولوتوف وزیر خارجه شوروی با این امر مخالفت کرده و اظهار داشته بود: «... مادام که زمامداران تهران به اشکال‌تراشی خود راجع به اعطای امتیاز نفت به مسکو ادامه دهند سربازان شوروی به هیچ وجه ملزم به

خروج از آن سرزمین نخواهند شد.»<sup>۷۲</sup>

هر چند، در نهایت، نتیجه مسافرت قوام السلطنه به مسکو به نفع کشور تمام شد، اما آیا تصمیم وی مبنی بر دیدار از مسکو و ملاقات با استالین صرفاً یک ابتکار شخصی تلقی می‌شد؟ از هوشیاری سیاسی وی (موضوعی که اغلب بر آن تأکید زیادی می‌شود) که بگذریم، موضع آمریکا و انگلستان در قبال بحران اخیر آذربایجان و نفت شمال ایران مهم است. قراین و شواهد موجود حاکی از این است که مسافرت قوام به مسکو نمی‌تواند بدون رضایت و موافقت انگلستان و آمریکا صورت گرفته باشد. گذشته از موضع و موقعیت قدرتمند سیاسی - نظامی انگلستان و آمریکا در منطقه و ایران، مخصوصاً انگلستان منافع اقتصادی قابل توجهی در بخشهای جنوبی ایران داشت و با توجه به اوضاع سیاسی ایران و رقابتهای و تحرکات داخلی و خارجی هر آن انتظار می‌رفت که این موقعیت انگلستان در ایران دچار مشکل شود. این کشور نمی‌توانست از زمزمه‌های مخالفت با حضور و چنگ اندازی این کشور بر منابع نفتی ایران در بخشهای جنوبی کشور از سوی نیروهای داخلی ایران و طرفداران شوروی در ایران نظیر اعضای حزب توده و غیره غافل بماند. بنابراین انگلستان در موقعیتی که در مورد منابع عظیم نفتی خود در ایران احساس خطر کرده بود می‌توانست با مشغول کردن شوروی در مسئله نفت شمال ایران، که بهره‌گیری از نفت آن مناطق نیز افق روشنی نداشت، جلو مخالفت‌های ذکر شده را بگیرد. مضافاً اینکه موافقت ایران با اعطای نفت شمال به شوروی به معنای نقض و لغو قانون «عدم امتیاز نفت» به کشورها و شرکتهای خارجی تلقی می‌شد و این امر دست انگلستان را جهت گسترش فعالیت‌های نفتی بیشتر باز نگه می‌داشت. از سوی دیگر، آمریکا نیز که تا این زمان در بهره‌گیری از نفت شمال ایران خود را مغبون احساس می‌کرد می‌توانست راهی برای ورود شرکتهای نفتی آمریکایی به ایران بیابد، چنانکه در این باره هارولدسکی رئیس اجرائیه حزب کارگر انگلیس همزمان با مأموریت قوام به شوروی اعلام کرد: «... ما در انگلستان راجع به امتیاز نفت ایران در شمال به نفع شوروی اعتراضی نداریم؛ همچنانکه انگلیسیها در جنوب ایران اراضی نفت خیز مهمی دارند... شورویها نیز حق دارند در شمال نفت داشته باشند».<sup>۷۳</sup> وی در جایی دیگر نیز اظهار داشته بود که نفت شمال ایران متعلق به شوروی است و هیچ کشوری در این باره مشکل ایجاد نکرده است چرا که به عقیده وی: «اراضی نفتخیزی که بین بحر خزر و جبال زاگرس واقع شده، چه از لحاظ ساختمانی و چه از لحاظ

۷۲. احمدعلی سپهر، پیشین، صص ۱۲۶-۱۲۷.

۷۳. عزیزالله کمال، گوشه‌ای از خاطرات، بی‌جا، بی‌تا، ۱۳۶۱، ص ۵۷.



احمد قوام نخست‌وزیر و دیگر اعضای هیئت ایرانی اعزامی به شوروی (۱۳۲۴ش) | ۲۹۸۷-۱

معرفت الارضی، متعلق به بحر خزر و منطقه عملیات روسها» است.<sup>۷۴</sup> وزیر خارجه انگلستان مستر ایدن نیز در کنفرانس یالتا در ۸ فوریه ۱۹۴۵/۱۳۲۴ش اعلام کرده بود که: «... دولت انگلستان اعتراضی به احتیاج شورویها نسبت به نفت ایران ندارد و سیاست دولت او این نیست که مانع شود دولت شوروی نفت شمال را به دست آورد و معترف است که کشور شوروی بازار طبیعی نفت مزبور می‌باشد».<sup>۷۵</sup> بدین ترتیب روشن می‌شود که قوام دستورالعمل لازم را از انگلستان جهت مذاکره با مسکو دریافت کرده بود و «دولت انگلیس... ضمن یادداشتی به نخست‌وزیر ایران [قوام] سفارش کرد که راه را برای مذاکره بعدی با روسیه در موضوع نفت باز نگه دارد...» و شاید به همین دلیل بود که برخی از ناظران اوضاع چنین تحلیل کردند که: «... روش غیرمنتظرانه انگلیسیها ناشی از ترسی است که رد قرارداد از طرف ایران شورویها را زیاده از حد تحریک کند و سرانجام باعث شود که امتیاز نفت جنوب هم ملغی شود».<sup>۷۶</sup>

از موضع دولت انگلیس که بگذریم آمریکا نیز بنابه دلایلی نمی‌توانست با اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی مخالفت ورزد. موری سفیر آمریکا در تهران قبل از عزیمت

۷۵. مصطفی فاتح، پیشین، ص ۳۶۳.

۷۴. همان، ص ۵۸.

۷۶. ژرژ لنگافسکی، رقابت روسیه و غرب در ایران، پیشین، ص ۳۳۱.

قوام به مسکو طی مذاکراتش با وی نظر مساعد دولت متبوع خود را به اطلاع وی رسانید. در بخشی از گزارش موری خطاب به وزارت خارجه آمریکا که حاوی مذاکراتش با قوام درباره نفت است می‌خوانیم: «... ولی به‌طور کلی مذاکرات پرزیدنت روزولت را که در سال ۱۹۴۲م با شاهنشاه مبنی بر اینکه نباید گذارد منافع نفت کشور به دست خارجیان درآید و باید به نحوی کوشش به عمل آورد تا به اصلاح و منفعت و بالا بردن سطح زندگی مردم ایران مورد بهره‌برداری قرار گیرد و امتیازی به خارجیها داده نشود و من از فرصت استفاده کرده و گفتم دولت ایران باید تصمیم به تجدید مذاکره درباره نفت بگیرد. ما نیز انتظار داریم که از آن باخبر گردیم تا اینکه شرکتهای آمریکایی بتوانند مجدداً پیشنهادهایی تقدیم نمایند.»<sup>۷۷</sup>

بدین ترتیب قوام که موافقت دو کشور آمریکا و انگلیس را به دست آورده بود راهی مسکو شد. قوام روز دوم اسفند ۱۳۲۴ با استالین ملاقات کرد و در همان ملاقات اول استالین موضوع نفت شمال را پیش کشید و خواستار اعطای امتیاز نفت شمال به دولت شوروی به مدت ۵۰ سال شد. استالین هنگامی حاضر شد خاک ایران را از قشون شوروی تخلیه کند و مسئله آذربایجان را یک مشکل داخلی ایران قلمداد کند که توانست موافقت قوام را برای تشکیل شرکت مختلط نفت بین ایران و شوروی در مناطق شمالی ایران جلب نماید. بدین ترتیب قرارداد مربوط به تخلیه ایران و تأسیس شرکت مختلط نفت ایران و شوروی در تاریخ چهارم آوریل ۱۵/۱۹۴۶ فروردین ۱۳۲۵ بین قوام و سادچیکف سفیر شوروی در تهران به امضاء رسید.<sup>۷۸</sup> اما نکته‌ای که در این قرارداد بیشتر جلب توجه می‌کرد بند مربوط به لازم‌الاجرا بودن مفاد قرارداد تشکیل شرکت مختلط نفت ایران و شوروی در صورت تصویب مجلس شورای ملی بود، یعنی شرطی که از نظر برخی از تحلیلگران سیاسی به زیرکی شخص قوام‌السلطنه تعبیر شد و خود اساسی برای تداوم بحران نفت و نهایتاً زمینه‌های بعدی بحث درباره ملی کردن نفت و غیره را فراهم ساخت. برای تشکیل مجلس پانزدهم انتخابات لازم بود و شرط انتخابات ایجاد امنیت در سراسر کشور بود. بنابراین با تأیید دولت شوروی نیروهای نظامی ایران سراسر آذربایجان را اشغال کردند و آذربایجان جزء لاینفک کشور شد. بدین ترتیب پس از انتخابات، مجلس شورای ملی دوره پانزدهم تشکیل شد و قوام طبق قرار قبلی به شوروی در ۲۲ اکتبر ۱۳۲۶/۱۹۴۷ش گزارش مربوط به موافقتنامه نفتی خود با شوروی را تقدیم مجلس شورای ملی کرد. اما تصمیم مجلس چیزی غیر از خواسته‌های دولت

۷۸. احمد آرامش، پیشین، صص ۱۱۴-۱۱۵.

۷۷. رحیم زهتاب‌فرد، پیشین، ص ۲۳۹.



یکی از جلسات نمایندگان دوره پانزدهم مجلس | ۱۴-۳۶۸۵

شوروی درباره نفت شمال ایران بود. مجلس ضمن انتقاد ضمنی از قوام السلطنه توافقنامه قوام - سادچیکف را غیرقانونی اعلام کرد و آن را لغو نمود و این توافقنامه را برخلاف روح قانون یازدهم آبان ۱۳۲۳ درباره عدم اعطای امتیاز نفت به کشورها و شرکتهای خارجی دانست و طبق بند «ج» این قانون «واگذاری هرگونه امتیاز استخراج نفت کشور ومشتقات آن به خارجیها که در آن به وجهی از وجوه سهم باشند مطلقاً ممنوع» اعلام شد.<sup>۷۹</sup>

در اوضاع و احوالی که روسیه شوروی به امید به دست آوردن امتیاز نفت شمال ایران حاضر شده بود دست از حمایت دوستان خود در آذربایجان ایران بردارد و آن ایالت را جزء لاینفک ایران به رسمیت بشناسد و همچنین نیروهای خود را از ایران خارج سازد بار دیگر نظیر آنچه که در هنگام ورود کافتارادزه جهت به دست آوردن امتیاز نفت شمال ایران روی داده بود و مجلس شورای ملی قانون عدم اعطای نفت به کشورها و شرکتهای خارجی را تصویب کرده بود این بار نیز اتفاق مشابهی افتاد و با رد توافقنامه قوام - سادچیکف دولت شوروی آرزوهای نفتی خود را در ایران محکوم به شکست یافت.

۷۹. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، روز چهارشنبه ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶، دوره پانزدهم.

بعید می‌نماید در تصمیم مجلس شورای ملی مبنی بر لغو قرارداد قوام - سادچیکف دولت ثالثی نظیر انگلیس دخیل بوده باشد چرا که هرگاه به بند آخر این قانون توجه شود به راحتی می‌توان بر به خطر افتادن، منافع نفتی انگلیس در جنوب ایران واقف شد. بند آخر این قانون تصریح می‌کند: «دولت مکلف است در کلیه مواردی که حقوق ملت ایران نسبت به منابع ثروت کشور، اعم از منابع زیرزمینی و غیر آن، مورد تضییع واقع شده است، به خصوص راجع به نفت جنوب، به منظور استیفای حقوق ملی مذاکرات و اقدامات لازم را به عمل آورد و مجلس شورای ملی را از نتیجه آن مطلع سازد».<sup>۸۰</sup>

برخی معتقدند که این بند اخیر صرفاً به اصطلاح «برای خالی نبودن عریضه» به قانون فوق اضافه شد بدون اینکه پیامدهای احتمالی آن در نظر باشد.<sup>۸۱</sup> اما بعید می‌نماید این نظر درست باشد چرا که با توجه به حساسیت انگلستان درباره نفت جنوب امکان نداشت این بند منظور شود مگر اینکه نمایندگان مجلس بدون توجه به مطامع کشورهای خارجی این شرط را صرفاً به عنوان مقدمه‌ای برای خلع ید انگلیس از نفت جنوب در نظر داشته باشند. به این ترتیب مرحله اخیر بحران نفت شمال ایران بدون اینکه ضرر قابل توجهی را متوجه دولت شوروی گرداند خطر عمده را متوجه منافع نفتی انگلستان در جنوب ایران کرد.

اما دولت آمریکا نیز از این قانون نه تنها ضرر نمی‌دید بلکه می‌توانست امیدوار باشد که در آینده‌ای نه چندان دور منافع نفت ایران را به دست خواهد آورد. در واقع شرکتهای آمریکایی که از سالها پیش درصدد سرمایه‌گذاری در نفت ایران بودند در موقعیت تسلط انگلیس بر مناطق نفتی جنوب و عدم دسترسی به منابع نفتی شمال کشور و مخالفت این دو کشور با اعطای امتیاز نفت در سایر نقاط ایران به شرکتهای آمریکایی قانون اخیر در صورت موفقیت می‌توانست امید بازگشت شرکتهای نفتی آمریکایی به ایران را بار دیگر زنده گرداند، چنانکه در واکنش به قانون لغو موافقتنامه قوام - سادچیکف دولت آمریکا اظهار داشت: «ایرانیان صاحب‌خانه و مختار در امور کشور خود می‌باشند، آنها آزادی کامل برای رد یا قبول قرارداد قوام - سادچیکف را دارند و اگر به رد آن تصمیم بگیرند دولت آمریکا در مقابل هرگونه رویه تهدید و ارضایی که شورویها پیش بگیرند به ایران کمک و مساعدت خواهد کرد».<sup>۸۲</sup>

دولت شوروی، که به نظر می‌رسد در نهایت از تصویب قانون اخیر مجلس درباره لغو موافقتنامه قوام - سادچیکف با وجود بند آخر آن درباره تجدیدنظر درباره نفت جنوب

۸۰ همان.

۸۱ علی جانزاده. *خاطرات سیاسی رجال ایران*. تهران، انتشارات جانزاده، ۱۳۷۱. ج ۲، ص ۶۲۷.

۸۲ همان، ص ۶۲۸.

ایران چندان هم ناراضی نبوده باشد، در تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۲۶ طی نامه‌ای که متن آن چندان هم تهدیدآمیز نمی‌نمود «به تصمیم مجلس اعتراض کرد و به این نکته متذکر شد که بی اثر بودن قرارداد تشکیل شرکت مختلط نفت ایران و شوروی با وجود بقای شرکت نفت انگلیس و ایران در جنوب ایران تبعیض فاحشی نسبت به جمهوری شوروی محسوب می‌شود».<sup>۸۳</sup> بدین ترتیب، دولت شوروی احساس می‌کرد که در این مرحله از بحران نفت شمال ایران برگ برنده را در دست دارد و به احتمال خلع ید دولت انگلیس از نفت جنوب ایران بیشتر امیدوار شد. به همین دلیل ضمن اعتراضات و فشارهایی از این نوع به دولت ایران فعالیتهای دیگری را بر ضد عملیات نفت جنوب ایران سامان داد.<sup>۸۴</sup> اما انگلستان، به نظر می‌رسد به نوعی در برابر این تصمیم مجلس ایران غافلگیر شده باشد بنابراین نتوانست نگرانی خود را پوشیده دارد و در این باره اظهار داشت: «دولت انگلستان به موجب گزارش منابع موثق لندن نگران آن بود که اگر دولت ایران تشویق به رد فوری تقاضای شوروی دایر بر بهره‌برداری مشترک از مناطق نفتخیز شمال کشور شود ممکن است به تحریک عرق ملی خود با امتیاز شرکت نفت انگلیس و ایران در جنوب نیز به مخالفت برخیزد». و سفیر انگلستان در تهران نیز به قوام اظهار داشته بود که متن قرارداد با شوروی را نباید بی‌درنگ رد کرد بلکه باید راه را برای مذاکرات بعدی و امکان ارائه شرایط اصلاحی باز نگه داشت.<sup>۸۵</sup> اما این موضعگیریها به نظر می‌رسید که دیگر کارآیی خود را از دست داده باشد چرا که اوضاع به سرعت دگرگون می‌شد و زمره مخالفت با امتیاز نفت جنوب هم وارد قاموس سیاسی سیاستمداران کشور و نمایندگان مجلس شد. اقداماتی نظیر تجدیدنظر در قرارداد نفت جنوب که در «قرارداد الحاقی» معروف نفت نیز منعکس شد نتوانست مشکل انگلیس را حل کند و خواسته‌های ملیون ایران را برآورده سازد و نهایتاً جریانی به وجود آمد که به چیزی کمتر از ملی کردن صنعت نفت ایران در سراسر کشور رضایت نداد.

### سخن پایانی

اگر سالهای پایانی دهه ۱۳۲۰ش را به عنوان پایان آخرین دوران بحران نفت شمال ایران در نظر بگیریم، زمانی نزدیک به پنجاه سال از آن واقعه می‌گذرد با این حال هنوز هم هیچ‌گونه تلاش جدی از طرف دولت ایران و یا کشور دیگری جهت مطالعه و اکتشاف نفت از مناطق شمالی ایران صورت نگرفته است. و در حال حاضر نیز به نظر می‌رسد تردیدهای جدی درباره احتمال وجود نفت در حد ارزش تجارتهای در شمال ایران (به

۸۴ زرز لِنچافسکی، پیشین، ص ۳۳.

۸۳ جلال عبده، پیشین، ص ۲۵۷.

۸۵ پنجامین شوادران، پیشین، ص ۹۲.

استثنای قلمروهای آبی) وجود داشته باشد. در غیر این صورت بعید می‌نماید منابع نفت این مناطق تاکنون را کد مانده و مورد بهره‌برداری قرار نگرفته باشند هرچند ممکن است در آینده با بهره‌گیری از علوم و تکنولوژی جدیدتر به این مهم دست یافت. بنابراین تمام تلاشهای دولت ایران و رقابت کشورهای روسیه شوروی، انگلیس و آمریکا در این دوران طولانی تا آغاز ملی شدن صنعت نفت ایران درباره چگونگی دستیابی به نفت شمال ایران بدون اینکه برای طرفهای درگیر منجر به منافع اقتصادی مهمی شود دربرگیرنده درگیریهای سیاسی بود. دولت روسیه و سپس روسیه شوروی بر آن بود از سویی اقتدار و نفوذ خود را در قلمروهای شمالی ایران حفظ کند و از سویی دیگر از پیشروی کشورهای انگلستان و آمریکا به آن مناطق ممانعت به عمل آورد. دولت انگلستان هم از یک طرف بر آن بود تسلط خود بر نفت جنوب ایران را حفظ کند و حتی المقدور نفوذ خود را به مناطق شمالی ایران گسترش دهد و میدان را از وجود رقبایش خالی نماید بدون اینکه به پیدایش و دستیابی به نفت در شمال ایران امید قطعی داشته باشد. آمریکا نیز که کمی دیرتر به عرصه رقابت ایران با کشورهای روسیه شوروی و انگلیس وارد شده بود درصدد بود برای خود سهمی دست و پا کند. بدین ترتیب هرچند مسئله نفت شمال ایران فی‌نفسه هیچ‌گونه نفع اقتصادی برای طرفهای درگیر بر جای نهاد اما خود مقدمه‌ای شد برای تجدیدنظر در سهم‌بندیهای پیشین نفت ایران و تقسیم دوباره منابع نفتی کشور بین کشورهای ذی‌علاقه به نفت ایران، و نهایتاً اینکه مسئله نفت شمال ایران پیش از آنکه جنبه اقتصادی داشته باشد به منظورات سیاسی - استراتژیکی معطوف بود.